فن ترجمه

سروی، زهرا

نقد و بررسی تاب فن ترجمه {/J تاب فن ترجمه از جمله کتابهای درس ا است ه مؤلف محترم جناب آق ا تر ح ؤ معروف ب را ؤ واحد درس ؤ فن ترجمه ا ترجمه ان زبان دب ا ات عرب ؤ نوشته اند. ا ن تاب به ؤوشش سازمان مطالعه و تدو ن کتابها ؤ ؤلوم انسانی ا ترشگاهها (سمت) و دا ترش ؤاه راز ؤ کرمانشاه در 336 ؤفحه در سال 1380 ؤا ؤ ومنتشر شده است. هر خواننده عربی دان ؤ در مطالعه اول ه فهرست مؤلب ا ن کتاب، آن را کتاب ؤ منابب و کامل ب را ؤ تو س در ا ن واحد درس ؤ احساس می ؤند و مؤلب آن را بسی فراتر از 3-2 واحد درس ؤ در می ابد. او با مطالعه فوق ؤتاب ؤحت ن ؤر خود را در می ابد، چه نوسنده محترم کتاب همه مباحث مهم ثرفی ون حوی عربث را به ن ثث ب راث دا ترش جو شرح داده ون حوه ترجمه هر ساختار را به زبان فارسی ث ان ث رده است مؤلف در صورت ل زوم تفاوتها ؤ ساختار ؤ ا ن دو زبان را ب را ؤ ا ترجم ان روشن می سازد وس پس با تمرؤنها ؤ منابب ترجمه از فارس ؤ به عرب ؤ و بالع ؤس ب را ؤ هر درس، سع ؤ ث ب ت اؤول مؤرح شده در هر درس، در ذهن ا ترش جو ؤان می ؤند.

ا ن ؤتاب از جهت ؤاپ و دوستی واژگان و وژراژش از فنژث بالاژی ب رژوردار است. ژ لاوه بر آن ژ ه انت ژاب نوع قلم و ا ترفاده از ع ع ا ع ا ن ع ب را ی م ا ل ب مورد بحث در جل ب ن ث ر دا ترش جو به اث ل مبحث و ث م ث به افگ ث ری بهتر و ث ث آن در ذهن او ث ث ار م ؤ را است. از جهت ؤل می وجود ارجا ؤات ؤافی ب را ی مؤل ب هر مبحث و بهگ ث ری از منابث منابب فارسی و ث ر ب ی به ارزشمند دی اث ر می افزاث د، ث لاوه براث ن، شواهد و مث الها متنوع و منابب با نت ع اب شده است تسل ع مؤلف بر زبان ؤ ر ب ی و فارسی سب شده تا مباحث ن ن ث تاب از ب ث گی و ا ن س جام ث افی ب ر ث ور دار ب اشد. آگا ه ی او از زبان شناسی ث ر ب ی ن ث ز سب شده تا مباحث ترادف، ت شابه (ن ت را اکل ف ک ی) و ت ک ا دل غ ت را که در ترجمه از ک ر ب ی به فارسی به ک ار می کا ف ر ور گ ذارد و به روشنی ا ذن مباحث را ه مراه با ن ت ث ا ب م ث الهای منابب به دا ترش جو ف ه ث م ن موده، و دقت ن ث ر لازم در ت ر جمه ن ن نوع ع لمات و به نوع ع ف اوت م ع ا ن ی ع لمات مترادف را در ت ر جمه گوش زد نما ت ب ع ع ن ت فاوتهای ع ا ربرد ع لمات در م ع ا ن ی حق ع قی، مجازی وسلت ع ا ری ن ع ز از مباحث مهمی است ث ه در ن ن ث تاب بدان پ ر دا ث ته شده است.

مؤل ف ا ن ؤتاب، در پاؤان ؤتاب ؤوؤش ؤمؤمه ای آورده ؤه در آن ب ب ؤان گونه های فم ن ل ف ل غ ت نامه نوس ی ن زد دا ترش مندان ل غ ت شناس ف ر ب ی پ ر دا ت ته و براس اس ت ق د م زمان ی، م ق م ف ر ز ل غ ت نامه های ف ر ب ی را به ف وا ن ن د گان م ف ف ی ف ر ده. او به سلگی و روشنی، همراه با ذف ر نمونه واژه، ن حوه بهرگمژری از ا ن فرهن گها را شرح می دهد ؛ هر ؛ ند جای ا ؛ ن ؛ م ؛ مب ؛ شتر در ؛ تابهای روشت ق ؛ ق اس ت نه ؛ تاب فن ترجمه. املت و ؛ ؛ ح آن در ؛ م ؛ مه پا ؛ ا ن ی ؛ تاب ب را ی ا ترش جو ؛ ا ن زبان ؛ ر ب ی ب س ؛ ار سودمند و ارزشمند اس ت، ؛ ه ما در ب س ؛ ا ری مواردش ا هد سمت ؛ م ؛ ه ا ترش جو ؛ ا ن ما درس روشت ق ؛ ق را در ترم دوم ؛ ا سوم می گ ذرانند، اما در ا ذن ذلاس ها با ذمال تل ف حت ی ث ف وه ا ترفاده از فمول ت ف ن و راجت ف ن فرهن گ ج ر ب ی (ل ف جد) را نمی آوزند و آنها ج ز ب را ی حل مش ج ل ج ج ش به فرهن گهای ب ا جدی پناه می برند. با س پاس از زحمات ا ج ن هم ج ار ارجمند ذ ج ر ج ندن ج ته را ج روری می دا ن م و ذ ج ر ا ج ن ن ک ات از ارزش کار نوسنده محترم نم ج ج اهد.

-1 در صج ح ات 151-144 که به طور فهصل مبحث مه ت ر جمه حرف «که» در عرب ی ت وث ح داده شده، ذکر ا ن ات ضرورث است: در ث فحه 147 دتو تر «ه: معنا ث که با ا ترفاده از «أن و ما ث م ث در ه»، در شماره 4 ت ر جمه به م ج رد آنکه-به محض آنکه را با:

ال ف فور أن...

ب ما إن. ج ت

ذکر إرده‌اند إه مورد«ب»چون ترإیب«ما إن.جت إ»روی هم به کار مإرود بهتر است در إفحه 145 شماره 7 ذکر شود.إن ترإیب در إفحه 149 نیز درت‌ی‌تر[ز]معنا إ«که»با ابقاده از«جت‌ی» نإز ذإر شده إه لزومی ندارد، زإرا همانگونه إه گفته شده اإن إإ ترإإب است و نمی‌توان«ما»را از آن جدا إرد و یکإا به إنوان آوردن«که»با حرف«ما» إ مصدر إ و درجا دإ گر با آوردن«که» به إنوان ابقاده از«جت إ»از آن اد إرد.ما در ا ن عبارت‌فق إ ی حرف«که»ود م و ذکر آن همراه ترإیب معادل خود«لم کد..جت إ»در إفحه 150 قإیت می ند.

-2در إفحه 145 در شماره 5 ذکر کما مإلما لازم است‌ب را إ إترإیبها إمربوط به‌ترجمه«که»مانند طند مح- نما، لما هن گامی که؛ لا نب‌را ا ّ زکهکأن گو ی؛ه؛ابق‌در ما تا حد ؛ که، به اندازه که؛و إن هر إند که، إرچه‌ی‌ز از قل‌مفت‌اده است.

-3صإحات 212-209 در بحث ا‌ت‌راکلک‌ظی..بیه ان ا‌ت‌راکلک‌ظی در افعال‌کر‌ک‌ته شده‌است و شواهدعربی خو ش را ازفعل «ضرب»با جار و مجرورهای خ‌ت‌ف ا فعول به هفوناف‌ون آورده‌اند.در ا‌ن‌قس‌مت‌نک‌ته مهم‌قابل ذکر است و آن ا‌ن‌که بحث ا‌ت‌راکلک‌ک و مشابه‌ت‌ف‌ظ از مقوله وف ی‌اس‌است نه از مقوله وف فعل‌خت‌ف به اعتبار متمم و فعول هم نم ؛توان ا‌ت‌راکلک‌ظی را از اوصاف‌فعل شمرد‌ز رفعل دارک زمان‌فاعل و اسناداست و ا‌ن عوامل مانکت‌ق ا‌ت‌راک ستند‌مگر آنکفعل‌وتأ ل به مصدر شود که آن هم ا‌ت‌راک درمعنک ومک‌هوم می‌شود نه ا‌ت‌راک در ف‌ظ و از مقوله بحث ا‌ت‌راکلک‌ظی خارج مک‌شود.در مبحث مشترکلک‌ک مثل‌ع‌ین، در وقک مای‌کف‌ظ واحدارد م که مشترک‌ه معاثک‌ی‌رة اما در ضرب ا لقزیة-ضرب الخ مة...تفاوت معنا از متمم و فعول به ها ة خ‌ت‌ف به وجود می‌آید و تنها ا‌ت‌راک موجود ا‌ت‌راک در مک‌درفک‌ل ضرب است که‌دی‌گر ک‌نوان ا‌ت‌راک به معنک مک‌ک‌لح بر آن ک‌ج‌ح‌ن‌ست‌همانک‌ونه کما در بحث اضداد نمث‌تول‌م افعال رغب عن و رغ‌ب‌ف‌ث و ا‌ق‌ث‌ث‌إ‌ث و ا‌ق إع إن را جزء اضداد به شمار آری‌م. راش‌رط آن‌است که واژه‌اط با ساختار کام‌لا‌ی‌کس‌ان معنا ژمت‌ضاد دهد، مثل:جون(سش‌دژ وس‌ی‌اه‌ژ) ا صری‌م(روز-شب)ت ژاد در فعلها مذکور تنها به‌سبب حروف‌مت‌فات ذاست که پس از آنها به کار فته‌است.

-4 ذفحه 242 در ذکر ساختارها نت‌عذب در زبان‌عرب ذ ساختارها ذ ا+ل‌ط‌م رتم ز الها جرة و ساختار تعجب ة لله +دتوّه+ ز لله درّه عالما از ل‌مفت‌اده‌است.

-5 ّفحه 218 دبو ان ط‌ابق‌ت و عدم م‌ّابق‌ت، فعلها ّ لازم و متد ّ در دو زبان فارس ّ وعرب چّن ن ذّر شده ّه ب ر ّ ّ فعلها ّ لازم زبان فارس ّ در زبان ّرب ّمت‌ّد ّ می‌شوند، م‌ّل: ّدمته به او صدمه رسان‌شها د ذّر ا ن ن‌ّته ز منل‌ب‌باشد ّه متمم ما در تر‌ّی‌ب زبان فارس ّفم ّول به در زبان‌عرب ّاس‌تز را نویسنده محترم همه جا با دقت تمام به صورت‌تطب‌ق ّیه ان قواعد در زبان ّردا ّته‌اند.

دبا ان لازم می‌دل‌نک‌ته ا ّ را م ّرخها م که‌ب‌طارتباط با موضوع‌نیست و آزانت‌قادی‌است ه به‌نحوه آموزش دروس صرف ونحورش‌ته زبان‌دبا ات‌عرب‌ع وارداست.عدم آموزش ع‌ح‌ح قواعد زبان‌عرب‌ع و ط‌ابق‌ت ندادن قواعد آن با ستور زبان فارس‌ع(تا حدی که امکان دارد)سبب می‌شود ا‌ش‌روج ان ا ن قواعد را به صورت‌کل شه‌اع و بدون درک ک‌ح ح و کاربرک آن، ف‌ظ‌کنند.ا ن امر زحمت ا‌ت‌ادان فن‌ترجمه را دو ندان می‌سازد،زی‌را‌ظ‌اش‌ان‌اگزی‌رند، در ب‌ابتدا قواعد رظ ان‌حوظ را به ی‌ورت‌طب‌ق‌ی با زبان فارس‌ظ، به ا‌ش‌روج ا‌ف‌ه نما ند وس‌پس‌ش ومترجمه آن را آموزش د‌هند که ا ن امر س‌لما‌زمان‌ظ بس‌ب‌ش از ظ ترم می‌طل‌بد.ام دوارم ا‌ت‌ادان محترم‌ظ که واحده‌ای وس‌ظ ا ن‌رش‌ته را برنامه زظ م‌ظ‌کنند به ا‌ن مه‌ت‌وجه دش‌ته باش‌ند که آموزش قواعد زبان‌عرب‌ظ بدون‌ت‌وجه به کاربرد آن، امر ظس‌ظ‌حظ است که ا‌ش‌روج ان ما با زحم‌ت‌و اد آن را ف‌ی می‌کنند اما ا ن حظوظات به زودظ از ذهن اش‌ان رظت برم‌ظ‌بندد. ا ن بزری‌واران در سالها‌ظ‌ا تع‌با ن درسها‌ظ‌فقه‌اللغه و الادب المقارن، لألمربوط به ا‌ن واحدها را درم ان واحده‌ای وس‌ط ا ن‌رش‌ته برطرف نمودند؛هرچند ا‌ن کاو ران‌جام شد، املبس؛ار ب؛ا و منل‌ب بود، به خاطر ا ن‌ت‌وجه از اش‌ان سپاس‌گزاری ؛رده‌ام دوا‌ری‌م به زود ؛ش‌اهدت‌حلات ؛ درزم نه واحدها ؛ صرف ونحو ز از سو ؛ اش‌ان‌ش‌ها م.ما در سالها ؛ ا رش‌اهل‌تأ ف‌اکتابهف صرف ونحوب ارف بواده م که باعن‌وانهف خ‌ت‌ف به چاف رس ده‌است اما همه نها با

مال تألیف نویسندگان روسی از کتابهای صرف و نحو عربی است، بی‌آنکه فشار هد مثال درتفاوتها رکند، فلاوه بر آنکه هیچ گونه ابتکار وق لات چ دزم نه‌ساده سازی چ چل چ قواعد در جهت تفه هم ق ستور زبان عربی چ ومان دگار چ آن در ذهن دانش‌جو، در ا ن کتابها وجود ندارد. بلم د به ا نکه ملت‌ادان عاق‌درچ که برنامه‌ریز واحد ه‌اچ وسی ا نرش‌ته ه تن‌د. به ا ن مه‌ت‌وجه شتونها ند تا احساس بی‌علاق‌گی به‌چا رچ‌زبان‌عربی چ کلت‌چ ردیها چ ملی‌ند م که از سده سوم هچ‌رچ دانش‌مندان صرف و نحو چ‌ربی چ باکشاندن قواعد زبان چ‌ربی در چ‌ارچ‌وب‌تع هات دشوار و چ چ‌چ‌ده‌اچ چه ب شتر به‌سبب‌لت‌لافهای موجود م‌چان م‌کتبهای چ‌چوفه وب چ‌ره رواج‌چ‌فته بود، ضربه‌بزرگ‌چ ببه‌چ‌کره‌ستور زبان چ‌ربی واردس‌اچ‌تان‌د، هرچن‌د قواچ‌د ن‌چ‌ق ونان‌ن‌چز در ا‌چن امر تأ‌چ رن‌بود.

امروزه می‌توان با بهره‌گیری از علم زبان‌شناسی، صرف و نحو عربی را به گونه‌اچم ق وقابل درک به دانش‌جو آموخت کوکه‌گک‌هک دشوار آن رابرک او حل‌کرد اگر ما با تعمق به مطالعه‌الکتاب بپرازکم، درکملی‌کم‌رکه بوک‌ه، که‌کود بزرگی نکالم صرف و نحو تا روزگار ما به‌حساب می‌آید قواعد زبان را به سادگی و روانک‌تحلیل و انتقال منماکد. صرف و نحو کربک ابزارک‌است تا به وس له آن دانش‌جو بتواند کح حب‌فهمد وترجمه‌کند. اما متأسفانه خود به صورت هدف در آمده‌است. در صورت اصلاح ا ن رکرش‌است که دانش‌جو سودمندی و حلاوت فن‌ترجمه را درک‌نموده، با شتک‌اق تمام درکلن راه گام برک‌دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی